



فاصله حرف تا عملمان چند کیلومتر است؟!

اشتراک در شبکه‌های اجتماعی:

آدرس صفحه: <https://mav>



[1]

مریم فولادزاده، نشریه خانه خویان شماره 126

در فضای ذهنی هرکدام از ما، گزاره‌های امری زیادی هستند که روی هم تلنبار شده‌اند. هر مدت، یکی از این گزاره‌ها با جمله مبصری که مخاطب قرارش می‌دهد، از جا می‌پرد و دوباره می‌رود توی چرت! رد پای این گزاره‌های گاهای عبوس و تحکمی در همه جا دیده می‌شود؛ از کوچکترین نهاد که خانواده می‌نامندش تا نهادهای بزرگتر اجتماعی. اما اینکه چرا این گزاره‌ها که همان پیام‌های ارسالی یا دریافتی با مضمون امر به معروف و نهی از منکر از افرادی با عنوان مصلح است، کارکرد اصلی‌شان را از دست داده‌اند و تکرار مداومشان ضریب تاثیرشان را بالا نبرده است، نیاز به تأمل دارد.

چون عمل در تو نیست!

با اندکی تأمل می‌توانیم بفهمیم که علت معیوب شدن این گزاره‌ها که گاهی آدمی را تا مرز لجبازی و عصیان پیش می‌برند و از حالت ارزش به ضد ارزش تغییر ماهیت می‌دهند چیست. لب کلام، عالم بی عمل بودن است. چه ما مخاطب باشیم چه مخاطبی داشته باشیم. مشکل این جاست که فکر می‌کنیم گفتن و گفتن و گفتن کافی است اما گفتن شرط لازم است نه کافی که اگر نبود در روایت‌های متعدد بر آن تاکید نمی‌شد. در اهمیت نقش دعوت عملی در سازندگی فرد و جامعه، حضرت صادق (ع) می‌فرمایند:

كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ يَغَيِّرِ أَلْسِنَتَكُمْ؛

با غیر زبان‌هایتان مردم را دعوت کنید.*

کسی که به مسئله‌ای علم دارد اما تنها بر طبل گفتن بکوبد و رفتار و کردارش هیچ سنخیتی با سخنانش نداشته باشد، آیا می‌تواند امید تأثیرگذاری داشته باشد؟

همه چیز زیر سر خانواده است. تمام یادگیری‌ها و اندوخته‌های ما از همین نهاد مهم اجتماعی است. ما در قالب والدین خانواده، بیشتر از بکن و نکن‌های روزمره و بی تأثیر، رفتارمان است که برای فرزندانمان الگو می‌شود. در روانشناسی اصطلاحی است به نام یادگیری مشاهده‌ای؛ رفتار کودکان مساوی است با رفتار والدینشان؛ یعنی آنچه را که می‌بینند تقلید می‌کنند نه آنچه را که می‌شنوند. پدری که هر روز به فرزندش گوشزد می‌کند که دروغ بد است اما خودش غرق دروغ‌های مصلحتی‌اش! است، می‌تواند فرزند را مستگو تحویل جامعه دهد؟

اگر در این پایگاه مهم، فرزندانمان اهمیت مطابقت گفتار و کردار را نیاموزند، فردا پس فردایی که وارد اجتماع می‌شوند و بر مسندهای مهم دولتی تکیه می‌کنند، نتیجه‌اش چه می‌شود؟!

می‌خواهی منع کنی، رطب نخور!

به دلیل مسئولیت بیشتری که در جامعه داریم، وقتی به معروفی امر می‌کنیم یا منکری را نهی می‌کنیم، اگر عامل به آن نباشیم، ضربه بدی بر پیکره‌اش وارد می‌کنیم به خصوص اگر در کسوت یک مسلمان باشیم. معمولاً افراد رفتارهایی که از ما مشاهده می‌کنند را پای دین و ایمانمان می‌زنند. وقتی بارها در مقام یک مسئول، از عدالت و صداقت سخن برانیم اما در مقام عمل به راحتی حق دیگران را ضایع کنیم و برای حفظ منافعمان روی صداقت پا بگذاریم، علاوه بر ایجاد انزجار و بی اعتمادی در مخاطب، چهره یک مسلمان منافق را از خودمان ترسیم می‌کنیم. این چهره مخدوش آیا توان الگو قرار گرفتن و تأثیرگذاری را خواهد داشت؟ آیا نمی‌توانیم چون حضرت علی (ع) باشیم که فرمودند: «به خدا سوگند، برادرم عقیل را در نهایت تهی دستی و فقر دیدم، از من می‌خواست تا یک من از گندم‌های (بیت المال) شما را به او ببخشم! کودکانش را دیدم که از گرسنگی، موهایشان ژولیده و رنگ چهره‌شان تیره و نیلی بود. او چند بار نزد من آمد و درخواست خود را بارها تکرار کرد به گفته‌هایش گوش فرا دادم، پنداشت که دینم را به او می‌فروشم و به دلخواه او رفتار می‌کنم و از راه و روش خویش دست می‌کشم پس آهن را در آتش گذاختم و به جسمش نزدیک کردم تا عبرت گیرد».

جنگیدن در خط مقدم

کسی که به دنبال تأثیرپذیری است، لازم است که پیشرو در تمام خوبی‌هایی که به آن امر می‌کند، باشد. مجسمه‌ای باشد از فضایل و اخلاقیات. برای شروع، انگشت اشاره‌اش سمت دیگران نباشد. اگر هرکس ابتدا معلم و مربی خودش باشد و تا خودش را تربیت نکرده سراغ دیگری نرود، بعد از ورود به این مسئله، شاهد تأثیر چشمگیرتری خواهد بود. در این صورت است که رفتار فرد مصداق بارز امر به معروف و نهی از منکر می‌شود که اگر چنین نباشد، در حکم تیراندازی است که کمانش زه ندارد!

سلاح را زمین نگذار!

عامل بودن در زمینه امر به معروف به تنهایی کافی نیست و گاهی لازم است برای مبارزه با منکرهم، حرف زدن را رها کرد و وارد میدان عمل شد. سیره پیامبر (ص) در این زمینه جالب است: «منافقان به دلیل اهداف شومی که داشتند به تأسیس مسجد ضرار در نزدیک مسجد قبا پرداختند. پس از این که بنای مسجد به پایان رسید، به پیامبر (ص) گفتند: ای رسول خدا ما مسجدی را برای افراد مریض و ناتوان که نمی‌توانند به مسجد قبا بیایند و نیز برای شب‌های بارانی و زمستانی ساخته‌ایم و دوست داریم که شما بیایید و در آن نماز بخوانیم و برای ما دعا کنید. پس از نزول آیاتی، اسرار پشت پرده منافقان فاش شد. منافقان آن مسجد را پایگاهی برای ضربه زدن به مسلمانان و ایجاد تفرقه میان آنان و مرکزی برای محارب با خدا و پیامبر کرده بودند. پیامبر (ص) تعدادی از اصحاب را فرستادند تا آن مسجد را منهدم کرده به آتش بکشند و محل آن را زباله دان قرار دهند!»

خیر دنیا و آخرت

امربه معروف و نهی از منکر دامنه گسترده‌ای دارد و تأکید زیادی بر اقامه این فریضه در جامعه شده است. امام علی (ع) فرموده‌اند: «هر کس سه خصلت و ویژگی را داشته باشد، دنیا و آخرت تسلیم او و برایش سالم (و سودمند) خواهد بود: هنگامی که امر به معروف کند و خودش نیز به آن گردن نهد، چنانچه نهی از منکر کند و خود را نیز از عمل به آن منکر بازدارد و حدود الهی را (با عمل خود و توصیه به دیگران) پاس بدارد».

وقتی ارزش هر چیزی برای ما روشن شود، رغبت بیشتری برای انجامش پیدا می‌کنیم. با نگاهی به روایات و اوضاع کنونی جامعه می‌توان گفت: لازم است حراف و سخنوری را کنار بگذاریم و در هر مسند و جایگاهی که هستیم مرد عمل شویم تا خیر دنیا و آخرت نصیبمان شود.

* بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٩.

برچسب‌ها:

[امربه معروف، حرف، عمل](#) [2]

<https://mava.iki.ac.ir/node/846> نشانی منبع:

پیوندها

https://mava.iki.ac.ir/files/images/articles/f8a458e18503c86603dc02339a944feb_XL.jpg [2] [1]

<https://mava.iki.ac.ir/tag/%D8%A7%D9%85%D8%B1-%D8%A8%D9%87-%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%88%D9%81%D8%8C-%D8%AD%D8%B1%D9%81%D8%8C-%D8%B9%D9%85%D9%84>